

اشرف ، قاچاقچی بین المللی

۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۲۳:۵۹

دخالت اشرف پهلوی در قاچاق موادمخدر مسأله ای پنهانی نبود . همگان در سطح جهان بر این امر واقف بودند و می دانستند که او یکی از مهمترین اعضای مافیای جهانی موادمخدر است و هر بار که به سفر می رود با استفاده از مصونیت دیپلماتیک خود، چندین کیلو موادمخدر، به ویژه هروئین را جا به جا می کند، زیرا به سبب داشتن گذرنامه سیاسی، در هیچ مرز و فرودگاهی لوازم و وسایل همراه وی را تفتیش نمی کردند

حسین فردوست متولی امور امنیتی رژیم محمدرضا پهلوی در بخشی از خاطرات خود با عنوان «شیطانی به نام اشرف» به موضوع دخالت اشرف پهلوی در قاچاق موادمخدر در سطح ایران و اروپا اشاره می کند و می نویسد: «اشرف قاچاقچی بین المللی بود و به طور مسجل عضو مافیای آمریکاست. او به هر کجا که می رفت در یکی از چمدان هایش هروئین حمل می کرد و کسی هم جرأت نمی کرد آن را بازرسی کند. این مسأله توسط بعضی از مأمورین به من گزارش شد و من نیز به محمدرضا اطلاع دادم که اشرف چنین کاری می کند. محمدرضا دستور داد که به او بگویید این کار را نکند. همین...».

نام اشرف پهلوی از سال ۱۳۳۵ بعد از تصویب قانون منع کشت خشخاش در عرصه قاچاق موادمخدر مطرح شد. با اجرای این قانون که توسط دکتر جهانشاه صالح وزیر بهداشتی کابینه حسین علا تهیه و به مجلس پیشنهاد گردید، ایران که در شمار کشورهای صادرکننده تریاک قرار داشت، به زودی به یکی از واردکنندگان مهم موادمخدر مبدل شد و چون این کالا به صورت قاچاق و دور از نظارت دولت وارد و توزیع می گردید، سود فراوانی را نصیب قاچاقچیان می کرد. اشرف پهلوی هم که در تمام عمر و به ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد به دنبال منفعت شخصی بود ، به فعالیت در این عرصه روی آورد و به قاچاق موادمخدر در سطح کلان پرداخت. وی اندکی بعد به فعالیت خود گسترش همه جانبه ای داد و در عرصه تولید و توزیع مرفین و هروئین در سطح جهان فعال شد. او برای بهره برداری هرچه بیشتر در این زمینه با افرادی همچون فیلیکس آقایان و برادر کوچک او و امیر هوشنگ دولو و سپهبد اویسی- فرمانده وقت ژاندارمری کل کشور- رابطه برقرار کرد. فیلیکس آقایان و برادر کوچک او از سران مافیای موادمخدر جهان بودند و اشرف از نفوذ و اقتدار جهانی آنان برای ایجاد تسهیل در کار تولید و توزیع موادمخدر در سطح جهان سود برد. دکتر جهانشاه صالح نیز از افرادی بود که اشرف را در امر قاچاق موادمخدر یاری می کرد. در یکی از گزارش های ساواک درباره همکاری وی با اشرف پهلوی آمده است:

«یکی از بازپرسان دادسرای تهران به طور خصوصی به یکی از دوستان خود اظهار داشته والا حضرت اشرف پهلوی بزرگترین باند

قاچاقچیان تریاک و موادمخدر ایران را سرپرستی می کنند و آقای دکتر جهانشاه صالح وزیر سابق بهداری نیز با مشارالیهها همکاری و معاونت دارند و به همین جهت دستگاههای قضایی و انتظامی قادر به تعقیب شدید قاچاقچیان و دستگیر مؤثرترین آنها نمی باشند...».

اشتهار اشرف پهلوی به فساد و دخالتش در خرید و فروش و حمل و نقل موادمخدر موجب شد تا پرسنل پلیس بین المللی چند بار بدون توجه به مصونیت دیپلماتیک اشرف پهلوی، چمدان های او را بگردند.

از جمله این گونه بازدیدها که منجر به رسوایی او شد، می توان به بازدید افراد پلیس بین المللی در فرودگاه زوریخ در سال ۱۳۴۸ اشاره کرد. در جریان این بازرسی مقداری تریاک در میان لوازم و وسایل همراه اشرف کشف شد. اشرف به این سبب که یک چمدان حاوی تریاک به اروپا حمل می کرد، در فرودگاه زوریخ بازداشت شد. اما پس از اینکه پلیس فرودگاه دانست او با گذرنامه سیاسی سفر می کند و خواهر شاه ایران است، وی را آزاد کرد.

در میان مدارک به جامانده از ساواک به اسنادی برخورد می کنیم که در آنها به همدستی «محمد رضا پهلوی» و «تاج الملوک» ملکه مادر با «اشرف پهلوی» در راه قاچاق موادمخدر اشاره شده است. مدارکی که محتوای مجلات خارجی را بازتاب می کند و از رسوایی بین المللی خاندان پهلوی پرده برمی دارد.

در کتاب «ارتش تاریکی» ضمن اشاره به فساد خاندان پهلوی و بازداشت «اشرف پهلوی» در فرودگاه ژنو به جرم حمل موادمخدر، نویسنده حکایت فساد این خاندان را بی انتها می خواند و می نویسد: «این داستانها پایانی نداشت، بازداشت اشرف در فرودگاه ژنو با بیش از سی کیلو هروئین، کشتن زنی که از برادر شاه حامله شده بود و... گوشه ای از هزاران داستان واقعی این دوره است. برای شرح آنچه در آن سالها می گذشت، نگارش یک دایره المعارف فساد لازم است.».

اشرف در زمانی که دستش در کار قاچاق باز شده بود، به دلیل موقعیت متزلزل برادرش در دوران اوایل سلطنتش، با مافیای بین المللی تهیه و توزیع موادمخدر بر سر یک سفره نشسته بودند. در آن روزگار اشرف حق دلالی محموله های موادمخدر خود را به خاطر پشتیبانی و توزیع آنها، به پدر خوانده های مافیا می پرداخت.

اشرف اکثر ایام سال را از کیسه بیت المال در خارج از کشور، به ویژه در اروپا می گذراند و به کازینوها و قمارخانه های اشرافی می رفت. در یکی از همین شب ها در راه بازگشت از یک کازینو بود که اتومبیل وی مورد هجوم یک گروه مافیای مسلح قرار گرفت. وی که در صندلی جلوی اتومبیل و در کنار یکی از معشوقه هایش به نام روبن گلسرخیان نشسته بود، جان سالم به در برد و ندیمه اش فروغ خواجه نوری- که در صندلی عقب نشسته بود- کشته شد. خبر این حادثه همان روز به تهران رسید و روزنامه های کشور، از جمله کیهان به این مناسبت شماره فوق العاده منتشر کردند. شواهد و مدارک موجود نشان می داد که اشرف پس از بازگشت از یک قمارخانه در شهر «کان» واقع در امیرنشین مونت کارلو، مورد هجوم یک گروه از گانگسترها که با وی در مورد موادمخدر

اختلاف داشتند، قرار گرفته بود. با تمامی این توصیفات، اشرف که نجات خود را نوعی معجزه قلمداد می کرد بعد از این ماجرا از کارهای خود دست نکشید و همچنان به قاچاق موادمخدر ادامه می داد.

منبع: مقاله مصطفی لعل شاکری، روزنامه قدس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۳۰۳۴۵/اشرف-قاجاقچی-المللی-بین-قاجاقچی-اشرف>